

بررسی موانع دسترسی کودکان معلول به آموزش

نامناسب بودن ساختمان مدارس، کیفیت نامطلوب آموزش و...



ریحانه جولایی

فضایی مشترک تلفیق شوند. به عبارت دیگر، کودکان بدون کم توانایی در کنار کودکان دیگر نیز از آموزش های ویژه خودشان بهره مند شده و با این آموزش ها امکان ورود به جامعه را داشته باشند. البته به این معنی نیست که الزاما کودکان معلول در کلاس های عادی باشند، چرا که زمانی محدودیت محیط ایجاد می کند این کودکان در محیط اختصاصی باشند.

قوانین بین المللی هم در این زمینه ساکت نیستند. برای مثال پیمان نامه جهانی حقوق کودک صریحا اشاره دارد

کودکی که از نظر ذهنی و جسمی دچار نقص است، باید در شرایط منزه آموزی بتواند در جامعه مشارکت داشته و از آموزش بهره مند باشد. کشورهای که به این کنوانسیون پیوستند، از جمله ایران، باید زمینه های مراقبت از کودکان معلول را فراهم کنند.

از سوی دیگر، کنوانسیون حقوقی افراد معلول، به آموزش به عنوان حقوق اولیه این افراد پرداخته و صریحا پیش بینی کرده که کودکان معلول بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر از نظام آموزش فراگیری بهره مند باشند که در آن نظام آموزشی فراگیر امکان توسعه توانایی های انسانی، توسعه شخصیت و توانمندی این کودکان برای مشارکت در جامعه ایجاد شود. همچنین تمام کودکانی که کم توان هستند، بدون اینکه به ماهیت و شدت توانایی شان توجه شود، باید به آموزش دولتی مناسب و رایگان دسترسی داشته و ارائه این خدمات بدون تبعیض و مناسب با شرایط آنها باشد.

برای مثال محیطی که این کودکان در آن تحصیل می کنند، باید دارای کمترین محدودیت باشد؛ یعنی کودکان کم توان باید در حدامکان در کلاس های آموزش همگانی و در کنار کودکان سالم قرار گیرند و در واقع هر دو گروه در

یادداشت

«کیفیت آموزشی» در مدرسه های خصوصی تحریف می شود!

مهدی بهلولی، آموزگار و کتشی گرسنغی

بی گمان همه ما تاکنون بسیار درباره «کیفیت» بالای آموزش در مدرسه های خصوصی شنیده ایم. گفته می شود که در این مدرسه ها، شمار دانش آموزان کلاس از مدرسه های دولتی کمتر و بین ۲۰ تا ۲۵ نفر است و نظارت آموزگاران و کارگزاران اجرایی مدرسه بر دانش آموزان، بیش از مدرسه های دولتی است. در مدرسه های خصوصی، مشاور آموزشی وجود دارد و عملکرد دانش آموزان را بررسی می کند. از آموزگاران خوب و برتر بهره گرفته می شود و به ویژه برای درس های مهمی همچون ریاضی، کلاس و ساعت اضافه در نظر گرفته می شود. پیوند میان خانه و مدرسه، استوار و نزدیک تر است و پدر و مادران بیشتر در جریان کار و عملکرد بچه های خود در مدرسه قرار می گیرند. اینها

دسترسی دارند؟ امکاناتی نظیر راه های دسترسی فیزیکی در ساختمان ها وجود کتاب های به روز به خط بریل، کمک برای خرید سمعک و ... عدم مناسب سازی فیزیکی مدارس برای کودکان معلول، فقدان شیوه های آموزشی مناسب و کمبود معلم و نیروی انسانی آموزش دیده برای کمک به این کودکان چند مورد از مشکلاتی است که این کودکان در ایران با آن مواجه اند. مدافعان حقوق بشر می گویند هیچ کودکی نباید

غیر قابل آموزش محسوب شود و بر اساس قوانین بین المللی همه کودکان باید به آموزش مناسب و کافی دسترسی داشته باشند. اما همانطور که از ظواهر

پیدا است کودکان معلول در ایران با موانع متعددی دست به گریبان اند. مشکلاتی که دامنه آن علاوه بر فضای آموزشی، فعالیت های ورزشی، فرهنگی و هنری این کودکان را هم در بر می گیرد. خانواده هایی که فرزندان معلول دارند از گران بودن وسایل می نالند. مثلا خانواده ها قدرت خرید عصای سفید هوشمند را برای کودکان نابینای خود ندارند. سایر وسایل کمک آموزشی نیز بسیار گران است. خانواده ها شکایت می کنند امکانات و رسیدگی وجود ندارد و در این وضعیت اقتصادی نمی توانند خوراک بچه ها یا وسایل کمک آموزشی را تأمین کنند.

سال گذشته ۱۵۰ هزار کودک

معلول مدرسه رفته اند گفته می شود تعداد کودکان معلول که در ایران در سن تحصیل اند، حدود یک و نیم میلیون تخمین زده شده اما از این تعداد تنها ۱۵۰ هزار کودک یعنی ۱۰ درصد در سال تحصیلی گذشته در مدارس ثبت نام شدند و بقیه از تحصیل باز ماندند. البته این آمار را هیچ نهاد دولتی منتشر نمی کند. ناگفته نماند بیشتر این کودکان در مدارس

سیستم های آموزشی تلفیقی

مورد اول سیستم آموزشی تلفیقی است که در این سیستم کودکان معلول در کنار کودکان بدون معلولیت قرار می گیرند و با هم تحصیل می کنند. هدف از این تلفیق ایجاد یکپارچگی و رسیدن به جامعه ای است که در آن افراد بتوانند در کنار هم زندگی کنند. در واقع باید افراد معلول زندگی مشابهی با سایر افراد جامعه داشته باشند و موانع و تبعیض های اجتماعی از سر راه آنها برداشته شود.

مورد بعدی سیستم آموزش استثنائی است که در این سیستم کودکان معلول امکان بهره گیری از آموزش های خاص، برنامه های درسی مخصوص با نیاز های ویژه، تجهیزات تخصصی و مربیان تعلیم دیده استثنائی را دارند، اما این سیستم معایبی دارد، چرا که جامعه کودک و والدین او را متفاوت قلمداد می کنند و به آنها برچسب می زنند. این گونه مدارس اگر دولتی باشند، امکانات کمتری دارند. حتی خیلی اوقات شاهدیم کلاس دو پایه با هم برگزار می شود. از سوی دیگر، اگر کلاس ها به صورت خصوصی برگزار شود، بسیار پر هزینه خواهد شد. بسیاری از مناطق در کشور از این مدارس بهره مند نیستند و اگر کودکان معلول قصدرفتن به مدارس استثنائی را نداشته باشند، باید مسیر زیادی را طی کنند.

در بسیاری از مناطق کم جمعیت و فقیر هم اصلا چنین مدرسی وجود ندارند. اتفاق دیگری که ممکن است در مدارس استثنائی بیافتد، این است که معمولا بر داشت های کلیشه ای از کودکان معلول می شود و آنها معمولا تحت آموزش این مدارس عزت نفس کمتری پیدامی کنند. واقعیت این است که امکان تعامل و مشارکت آنها با جامعه اصلی کمتر می شود. به این دلیل که انگار این آموزش ها کودکان معلول را از دسترسی ها محروم می کند.

مدارسی که انعطاف پذیر نیستند شیوه بهتر این است که مدارس عادی طوری باشند که بر اساس قوانین این امکان را به وجود بیاورند که کودکان معلول صرف نظر از هر گونه تفاوتی بتوانند در کنار سایر کودکان تحصیل کنند. ولی می بینیم مدارس عادی برای این کودکان مناسب نیستند و



کودکان معلول که در ایران در سن تحصیل اند، حدود یک و نیم میلیون کودک تخمین زده شده؛ اما از این تعداد تنها ۱۵۰ هزار کودک و به عبارتی ۱۰ درصد در سال تحصیلی گذشته در مدارس ثبت نام شدند

بسیاری از مدارس کودکان معلول را ثبت نام نمی کنند؛ حتی اگر این کودکان را ثبت نام هم کنند می بینیم که امکانات کافی ندارند و بسیاری اوقات به بهانه نداشتن امکانات و بدون تلاش برای ایجاد آن فقط رفع مسئولیت کرده و در نهایت کودکان معلول را ثبت نام نمی کنند. ولی واقعیت این است که باید حقوق کودکان معلول را در اولویت قرار دهیم. مدارس ما باید سازماندهی شوند تا قدرت انعطاف پذیری در مقابل اقصا را نشان بدهند. از جمله افراد معلول، داشته باشند که بتوانند کیفیت آموزشی لازم و مطلوب را برای آنها ایجاد کنند. در واقع وضع قوانین باید به گونه ای باشد که با پیش بینی ضمانت اجرا امکان تلفیق و مشارکت کودکان سالم و معلول در مدارس ایجاد شود. از سوی دیگر، باید مدارس با ضمانت اجرای محکم ملزم شوند امکان تحصیل را برای کودکان معلول فراهم کنند. این در حالی است که والدین کودکان معلول معمولا ترجیح می دهند کودکان شان در مدارس استثنائی باشند، چرا که می ترسند هم شرایط خاصی را از دست بدهند و هم از هم نشینی کودکان شان با کودکان بدون معلولیت واهمه دارند. ما در کنار قوانین برقرار کننده این اصول و ضمانت اجرای لازم به حمایت و تقویت بنیه مدارس و ایجاد این فرهنگ در مدارس نیاز داریم که به بهانه واهی از ثبت نام کودکان معلول خودداری نکرده و بتواند امکانات لازم را فراهم کنند. برای اینکه این کودکان در کنار سایر کودکان از امکانات تحصیلی بهره مند شوند، حتی در دستور العمل ثبت نام دانش آموزان در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ ابتدا ممنوعیت ثبت نام کودکان در مدارس عادی ایجاد شد که البته بعدا با توضیحات مسئولان آموزش و پرورش استثنائی این ممنوعیت لغو شد و ماند

سال های گذشته همچنان طرح تلفیقی اجرامی شود و این کودکان می توانند در کنار سایر کودکان در مدارس عادی ثبت نام شوند؛ مگر اینکه خانواده ها تمایل داشته باشند که کودکان در مدارس استثنائی باشند. بنابراین مدارس نمی توانند به بهانه عدم مناسب سازی فضای فیزیکی این کودکان را از نظر قانونی ثبت نام نکنند.

بروندادهای آموزشی اندازه پذیر در شمردن رقابت و ... جایگاه و نقش مهم دارند و به سیاست های بهسازی آموزش، خط و جهت می دهند؛ اما از دید بسیاری از فیلسوفان و اندیشه وران قدیم و جدید آموزش هیچ کدام از اینها جزء هدف های اصلی آموزش و پرورش نیست. بنابراین می توان ادعا کرد که خصوصی سازی آموزش، در نهایت به تحریف معنای آموزش و پرورش می انجامد. آموزش و پرورش کیفی، بخش اصلی حق برخورداری از آموزش است و باید چند بعدی نگریسته شود. در آموزش و پرورش کیفی هم باید بر فرایندهای آموزشی و آنچه در درون آن می گذرد، نگرست و هم بر دست آوردهای کوتاه، میان و بلندمدت. آموزش و پرورش کیفی، شناخت سنجشگرانه را در اختیار مردم می گذارد و به آنها توانمندی ها و مهارت هایی می دهد که برای ارزیابی، مفهوم سازی و حل مسأله ها، که در سطحی محلی و جهانی رخ می دهند مورد نیاز است. نگاه بسته به آموزش که یادگیری را در

سرنگ آلوده عامل شیوع HIV در لرندگان نیست



وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: چند روز پیش از سوی یکی از مقامات محلی روستای چنار محمودی لرندگان به صورت غیر کارشناسی ادعا شد که سرنگ آلوده عامل شیوع ویروس HIV در این روستا بوده که قطعا با مستندات بسیار دقیق و کارشناسی که داریم باید بگویم که هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است. به گزارش ایرنا، سعید نمکی افزود: در روستای چنار محمودی مدت ها قبل و بیش از ۴۰ روز پیش، گزارش هایی از موارد آلودگی با ویروس HIV داشتیم که همکاران ما بسیار آرام و بی صدا و با حفظ حرمت مردم شریف آن منطقه، کارها را پیش می بردند. او تصریح کرد: متأسفانه بهورز زحمت کش و خدوم روستای چنار محمودی مورد اتهام قرار گرفت و پاسخ ما این است که سرنگ آلوده، عامل ششیوع این بیماری نیست و عوامل را شناسایی کرده ایم. نمکی افزود: خدومان را مکلف به درمان این بیماران صرف نظر از هر عامل ابتلا به ویروس HIV می دانیم و خوشبختانه امروز داروهای درمان HIV بسیار خوب عمل می کنند و تمامی این بیماران را در مان می کنیم و آزمایش های گسترده ای روی مردم این منطقه انجام می دهیم و امیدواریم بتوانیم تمامی بیماران این روستا را در مان کنیم. او با بیان اینکه هزینه های درمان مبتلایان به ویروس HIV کاملا رایگان است، گفت: کمترین هزینه ای را در این زمینه به مردم تحمیل نمی کنیم و در مورد عوامل آلودگی به این ویروس نیز بعد از بررسی دقیق کارشناسان بهداشتی، اطلاع رسانی خواهیم کرد.

■ ■ ■

امداد رسانی به ۱۴ استان متأثر از سیل



رئیس سازمان امدادونجات درباره آخرین وضعیت مناطق سیل زده در استان سیستان و بلوچستان گفت: تاکنون ۱۶ شهرستان و ۲۲ شهر، روستا و مناطق عشایر نشین متأثر از سیل بوده اند. به گزارش ایلنا، مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امدادونجات درباره آخرین خبر ها از سیل و آبگرفتگی در برخی نقاط کشور تا صبح روز گذشته بیان کرد: از ۹ مهر ماه لغایت ۱۳ مهر تا ساعت ۵ صبح چهار استان (سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، فارس، هرمزگان) متأثر از سیل بوده اند. او ادامه داد: ۱۶ شهرستان (خاش، سرباز، سیب و سوران، فوج، مهرستان، زیرکوه، داراب، شیراز، قیر و کارزین، فسا، خنج، لارستان، زرین دشت، بندرعباس، جاسک و میناب) متأثر از سیل بوده اند. سلیمی درباره امداد رسانی به ۲۲ شهر، روستا و مناطق عشایر نشین اعلام کرد: تاکنون به ۳۰۰ نفر امداد رسانی شده و ۱۳۷ نفر هم اسکان اضطراری شده اند. تعداد فوت شدگان نیز ۵ نفر است که ۳ نفر در جاسک و ۲ نفر در میناب بوده اند. همچنین تعداد گیر افتادان در مسیر سیلاب ۴۰۵ نفر گزارش شده است. در این میان ۱۷ دستگاه خودرو نیز رهاسازی شده اند. رئیس سازمان امدادونجات گفت: ۲۵ تیم شامل ۳۲ نفر به محل اعزام شدند و ۱۶ دستگاه چادر، ۵۵۹ دستگاه تخت پتو، ۸۵۸ ست ششپو، ۸۲ قوطی کنسرو جات و ۱۱۳ کیلوگرم قند و شکر به محل حادثه اعزام شده است. امداد رسانی در سیستان و بلوچستان، فارس و هرمزگان ادامه دارد.

■ ■ ■

۸۰ درصد مر جان های خلیج فارس مرده اند

رئیس سازمان محیط زیست بیان اینکه آثار تغییر اقلیم در ایران گسترده تر از متوسط جهانی است، گفت: اکثر مر جان های خلیج فارس به همین دلیل مرده اند. به گزارش مهر، عیسی کلانتری با بیان اینکه اثر تغییر اقلیم در مسائل ژنتیکی هنوز بررسی نشده است، اضافه کرد: وقتی که تا پایان قرن را فرست سه تا چهار درجه به دمای هوا افزوده شود، باید از همین الان تدابیری برای آن اندیشید، چرا که همان گونه که اشاره شد آثار تغییر اقلیم در کشور ما گسترده تر از متوسط جهانی است. او تصریح کرد: امروز شاهد هستیم که متأسفانه اکثر مر جان های خلیج فارس مرده اند و بیش از ۸۰ درصد این مر جان ها سفید شده اند. اینها مسائلی است که در آینده بشر را گرفتار خواهد کرد.